

۴ قدرشناسان عاشق

سرشناسه	: درخشنده / ابوالفضل
عنوان و نام پدیدآور	: قدرشناسان عاشق: دعا و اعمال شب‌های قدر / ابوالفضل درخشنده.
مشخصات نشر	: تهران: حدیث قلم، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۶۷۷-۰۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: دعا، شب قدر
موضوع	: دعاهای ماه رمضان
موضوع	: دعاها
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ / ۲۳۷ / BPrv
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۷۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۴۸۲۲۸

ناشر: حدیث قلم

نوبت چاپ اول

سال ۱۳۹۱

شمارگان: ۲۰۰۰

هزینه هدیه: ۷۰۰۰۰ ریال

صفحه آرا: مرجان جعفرقی

طرح رو جلد: سیما خسروی

تلفن سفارشات: انتشارات حدیث قلم ۸۸۲۱۴۱۶۳

فهرست

۶	 مقدمه
۱۱	 تعریف دعا
۱۲	 حقیقت دعا
۲۰	 اثرات دعا
۲۴	 شرایط استجاب دعا
۳۴	 اهمیت دعا
۳۷	 فواید دعا
۴۶	 ذکر الله
۵۱	 توجه به حقیقت دعا
۵۳	 معنای رمضان
۵۳	 تسبیحات و صلوات هر روز ماه مبارک رمضان
۷۴	 اعمال شبهای قدر
۸۱	 دعای روزهای ماه مبارک رمضان
۹۲	 فضیلت قرائت سوره عنکبوت
۹۳	 سوره عنکبوت
۱۰۶	 فضیلت قرائت سوره روم
۱۰۷	 سوره روم
۱۱۸	 فضیلت قرائت سوره دخان
۱۱۹	 سوره دخان
۱۲۵	 شب قدر در سوره دخان
۱۲۵	 فضیلت قرائت سوره قدر
۱۳۱	 تفسیر سوره قدر
۱۳۳	 سوره قدر
۱۳۴	 دعای جوشن کبیر
۱۴۰	 دعاهاى تأکید شده ماه مبارک رمضان
۱۴۹	 دعای موسوم به حج
۱۸۱	 دعای ابو حمزه ثمالی
۲۳۱	 زیارت عاشورا

دعا و اعمال شب‌های قدر

دعا چیست؟ و چه نقشی در زندگی انسان دارد؟ در اصل شناخت دعا بدون توجه به شاخصه‌های شناخت انسان مقدر نیست. انسان بیشتر از آنکه با جسم اش شناخته شود با طیبت اش که در اعمالش متبلور است شناخته می‌شود. و در اصل نمود باطنی انسان در ظاهرش تجلی می‌یابد. پس شناخت انسان بدون شناخت جنبه‌های بی‌کراک روحی او از جمله حالات عرفانی که با راز و نیاز با خالق یکتا حاصل می‌شود، مقدر نیست.

دعا جدی‌ترین و پاک‌ترین و قوی‌ترین نحوه برقراری ارتباط انسان با خالق مقتدر یکتاست و این ارتباط یعنی تکیه بر قدرت لایزال الهی. و به همین دلیل است کسانی که توکل قلبی به قدرت الهی دارند، تن به هر پستی و خفتی نمی‌دهند. این افراد هیچوقت نا امید نمی‌شوند و در سخت‌ترین شرایط به دنبال روزنه‌ی امیدی هستند و جالب آنکه در زمانی که هیچ کس امیدی برای نجات این افراد ندارد، ناگاه اتفاقی می‌افتد که از حد تصورات عاقلانه انسان خارج است که به آن اصطلاحاً معجزه می‌گویند.

تفاوت انسان با سایر مخلوقات در تفکر و تعقل او نهفته است. تعقلی که با اختیار او می‌تواند شناخت و معرفت الهی را کسب کند. و شاید ساده‌ترین راه برای قرب الهی، دعا و راز و نیاز با خدا باشد. دعا بهترین وسیله ارتباطی مخلوق با خالق است و یکی از روش‌های تهذیب نفس و جلا یافتن مروارید ذاتی انسان‌ها. دعا ابزاری برای درک بهتر انسانیت است. همان انسانی که فرشته گان خداوند در مقابل او سجده کردند.

دعا تنها ابراز نیاز نیست بلکه گفتگویی است میان عاشق و معشوق. و این راز و نیاز با خالق هستی باید با شناخت باشد تا منجر به معرفت شود و این ممکن نیست مگر آنکه راز و نیازی را که بر زبان جاری می‌کنیم با درک کامل باشد. به همین جهت است که توجه خاص به معنای دعاها اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

البته این توجه به معنای دعا و ترجمه قرآن کریم هیچوقت نباید منجر به بی توجهی به اصل کلمات قرآنی شود. درست به مانند کسانی که آنقدر در معنا غرق شدند که می‌خواستند حتی نماز را هم به زبان فارسی بخوانند!

خاطره آقای محمد حواد شریعت با مرحوم آیت الله حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی در رابطه با راز عربی بودن نماز:

سال یک هزار و سیصد و سی و دو شمسی بود من و عده‌ای از جوانان پرشوران روزگار، پس از تبادل نظر و مشاوره به این نتیجه رسیدیم که چه دلیلی دارد نماز را به عربی بخوانیم؟

چرا نماز را به زبان فارسی نخوانیم؟ عاقبت تصمیم گرفتیم نماز را به زبان فارسی بخوانیم و همین کار را هم کردیم.

والدین کم کم از این موضوع آگاه و به فکر چاره افتادند، آن‌ها پس از تبادل نظریا یکدیگر، تصمیم گرفتند با نصیحت ما را از این کار باز دارند و اگر مؤثر نبود، راهی دیگر برگزینند.

چون پند دادن آن‌ها مؤثر نیفتاد، ما را نزد یکی از روحانیان زمان بردند. آن روحانی وقتی فهمید ما به زبان فارسی نماز می‌خوانیم، به جوانان امانت آمیز نجس و کافران خواند. این عمل او، ما را در کارمان راسخ‌تر و مصمم‌تر ساخت.

عاقبت یکی از پدران، والدین دیگر افراد را به این فکر انداخت که ما را به محضر حضرت آیت الله حاج آقا رحیم ارباب ببرند و این فکر مورد تأیید قرار

گرفت. آن‌ها نزد حضرت ارباب شتافتند و موضوع را با وی در میان نهادند، او دستور داد در وقتی معین ما را خدمتش رهنمون شوند.

در روز موعود ما را که تقریباً پانزده نفر بودیم، به محضر مبارک ایشان بردند، در همان لحظه اول، چهره نورانی و خندان وی ما را مجذوب ساخت؛ آن بزرگ مرد را غیر از دیگران افتخار و دانستیم که با شخصیتی استثنایی روبرو هستیم. آقا در آغاز دستبریزی برای از همه ما را صادر فرمود. سپس به والدین ما فرمود: شما که به فارسی نماز نمی‌خوانید، فعلاً تشریف ببرید و ما را با فرزندان شما بگذارید. وقتی آن‌ها رفتند، به ما فرمود: بهتر است شما یکی یکی خودتان را معرفی کنید و بگویید در چه سطح تحصیلی و چه رشته‌ای درس می‌خوانید، آنگاه به تناسب رشته و کلاس ما، پرسش‌های علمی مطرح کرد و از درس‌هایی مانند جبر و مثلثات و فیزیک و شیمی و علوه طبیعی مسائلی پرسید که پاسخ اغلب آن‌ها از توان ما بیرون بود.

هر کس از عهده پاسخ بر نمی‌آمد، با اظهار لطف وی و پاسخ درست پرسش روبرو می‌شد. حاج آقا پس از آن که همه ما را خلع سلاح کرد، فرمود: والدین شما نگران شده‌اند که شما نمازتان را به فارسی می‌خوانید، آن‌ها نمی‌دانند من کسانی را می‌شناسم که _ نعوذ بالله _ اصلاً نماز نمی‌خوانند، شما جوانان پاک اعتقادی هستید که هم اهل دین هستید و هم اهل همت. من در جوانی می‌خواستم مثل شما نماز را به فارسی بخوانم؛ ولی مشکلاتی پیش آمد که نتوانستم. اکنون شما به خواسته دوران جوانی‌ام جامه عمل پوشانده اید. افسوس به همت شما. در آن روزگار، نخستین مشکل من ترجمه صحیح سوره حمد بود که لابد شما آن را حل کرده‌اید. اکنون یکی از شما که از دیگران مسلط تر است، بگوید بسم الله الرحمن الرحیم را چگونه ترجمه کرده اید؟

یکی ازما به عادت دانش آموزان دستش را بالا گرفت و برای پاسخ دادن داد و طلب شد، آقا با لبخند فرمود: خوب شد طرف مباحثه مایک نفر است؛ زیرا من از عهد پانزده جوان نیرومند بر نمی آمدم.

بعد به آن جوان فرمود: خوب بفرمایید بسم الله را چگونه ترجمه کردید؟
آن جوان گفت: طبق عادت جاری به نام خداوند بخشنده مهربان.

حضرت ارباب لبخند زد و فرمود:

گمان نکنم ترجمه درست بسم الله چنین باشد.

در مورد «بسم» ترجمه به نام «خوبی ندارد.

اما «الله» قابل ترجمه نیست؛ زیرا اسم علم (خاص) خدا است و اسم خاص را نمی توان ترجمه کرد؛ مثلاً اگر اسم کسی «حسن» باشد، نمی توان به آن گفت «زیبا». ترجمه «حسن» زیباست؛ اما اگر به نامی حسن بگوییم آقای زیبا، خوشش نمی آید.

کلمه الله اسم خاصی است که مسلمانان بر ذات خداوند متعال اطلاق می کنند. نمی توان «الله» را ترجمه کرد، باید همان را به کار برد.

خوب «رحمن» را چگونه ترجمه کرده اید؟ رفیق ما پاسخ داد: بخشنده.

حاج آقا ارباب فرمود: این ترجمه بد نیست، ولی کامل نیست؛ زیرا «رحمن» یکی از صفات خداست که شمول رحمت و بخشنندگی او را می رساند و این شمول در کلمه بخشنده نیست؛ «رحمن» یعنی خدایی که در این دنیا هم بر مؤمن و هم بر کافر رحم می کند و همه را در کف لطف و بخشنندگی خود فرا می گیرد و نعمت رزق و سلامت جسم و مانند آن اعطا می فرماید. در هر حال ترجمه بخشنده برای «رحمن» در حد کمال ترجمه نیست.

خوب، «رحیم» را چطور ترجمه کرده اید؟ رفیق ما جواب داد: «مهربان» حضرت آیت الله ارباب فرمود: اگر مقصودتان از رحیم من بودم: ((چون نام ایشان رحیم بود)) بدم نمی آمد «مهربان» ترجمه کنید؛ اما چون رحیم کلمه ای قرآنی و نام پروردگار است، باید درست معنا شود. اگر آن را «بخشاینده» ترجمه

کرده بودید، راهی به جایی می‌برد؛ زیرا رحیم یعنی خدایی که در آن دنیا گناهان مؤمنان را عفو می‌کند. پس آنچه در ترجمه «بسم الله» آورده اید، بد نیست؛ ولی کامل نیست و اشتباهات دارد. من هم در دوران جوانی چنین قصدی داشتم، اما به همین مشکلات برخورددم و از خواندن نماز فارسی منصرف شدم. تازه این فقط آیه اول سوره حمد بود، اگر به دیگر آیات بپردازیم موضوع خیلی پیچیده‌تر

می‌شود. اما من معتقدم شما اگر باز هم بر این امر اصرار دارید، دست از نماز خواندن فارسی برندارید؛ زیرا خواندنش از خواندن نماز بطور کلی بهتر است. در این جا، همگی شرمند و منفعل و شکست خورده از وی عذر خواهی کردیم و قول دادیم، ضمن خواندن نماز به عربی، نمازهای گذشته را اعاده کنیم. ایشان فرمود: من نگفتم به عربی، نماز بخوانید، هر طور دلتان می‌خواهد بخوانید. من فقط مشکلات این کار را برای شما شرح دادم. ما همه عاجزانه از وی طلب بخشایش و از کار خود اظهار پشیمانی کردیم. حضرت آیت الله ارباب، با تعارف میوه و شیرینی، مجلس را به پایان برد. ما همگی دست مبارکش بوسیدیم و در حالی که ما را بدرقه می‌کرد، خدا حافظی کردیم. بعد نمازها را اعاده کردیم و از کار جاهلانه خود دست برداشتیم.

با نگرش به مطالب ارایه شده، در این کتاب سعی شده است تا ضمن دقت در متن اصلی دعاها، به ترجمه ی آن توجه خاص شود تا خوانندگان محترم، هم

رمان درک و شناخت بهتری نسبت به دعا کسب کنند تا با معرفت بیشتری با خالق یکتا ارتباط برقرار کنند.

تعریف دعا

دعا در فرهنگ لغت به معنای نیایش کردن، درخواست حاجت از خدا آمده است. در تعاریف گوناگون شاهد هستیم که دعا را اینگونه معرفی کرده‌اند:

«دعا اصولاً کشش روح به سوی کائنات غیر مادی جهان است. به طور معمول نیایش عبارت است از: تضرع و تاله مضطربانه و طلب یاری و استعانت و گاهی یک حالت کشف و شهود روشن و آرام درونی و مستمر و دورتر از اقلیم همه محسوسات است.

به عبارت دیگر می‌توان گفت که نیایش پرواز روح به سوی خداست و یا حالت پرستش عاشقانه‌ای نسبت به آن مهیأ ای است که معجزه حیات از او سر زده است و بالاخره نیایش نمودار کوشش انسان است برای ارتباط با آن وجود نامرئی، آفریدگار همه هستی عقل کل، قدرت مطلق، خیر مطلق» (کتاب نیایش - نوشته آلکسیس کارل - ترجمه محمد تقی شریعتی).

در کتاب فرهنگ اصطلاحات و تعاریفات نقایس الفنون چنین آمده است: «دعا طلب کردن حاجت است از باری تعالی به تضرع و اخلاص» (فرهنگ اصطلاحات و تعاریفات نقایس الفنون، بهروز ثروتیان، ص ۸۸).

حضرت آیت الله جوادی آملی در این خصوص می‌فرماید: ساده‌ترین و طبیعی‌ترین رابطه انسان با خدا یاد اوست که در نتیجه‌ی آن، دل انسان اختیاراً متوجه خدا می‌گردد و بر روح او اثر می‌گذارد و سیاقاً اثر آن توجه، در زبان متجلی می‌شود.